

فرهنگ عامیانه در رابطه با فرهنگ جهانی

از: علی اشرف درویشیان

درگیری و چالش تازه جهانی، فرهنگ و هویت فرهنگی است. این چالش نه به خاطر بدست آوردن برتری و تفوق بر دیگر ملت‌ها (هرچند ممکن است چنین قصدی هم در پس آن نهفته باشد) بلکه در واقع برای ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت ارائه و بیان فرهنگ‌های اصیل و بکر، اما سرکوب شده و در سایه نگهداشته شده سایر ملت‌هاست. ساموئل هاتینگتون در بخش سوم کتاب تازه‌اش که در باره فرهنگ و هویت فرهنگی است می‌نویسد که یک نظام نوین جهانی مبتنی بر تمدن در حال ظهور است. جوامعی که از وجود مشترک فرهنگی برخوردارند، با یکدیگر همکاری می‌کنند. تلاش‌هایی که برای انتقال جوامع وابسته به یک تمدن به تمدن دیگر انجام می‌شود، ناموفق‌اند و گروه‌بندی‌های کشورها در اطراف کشورهای محوری با پیشتاز بودن تمدن‌شان انجام می‌گیرد.

همکاری جوامع براساس وجود مشترک فرهنگی، آینده نویدبخشی را برای بشریت فراهم می‌آورد. فرهنگ از نظر جامعه‌شناسی «میراث اجتماعی» هر جامعه است که شامل کلیه دستاوردهای مادی (ابزارها و آثارهایی) و کلیه ساخته‌های ذهنی و روحی دسته‌جمعی است که باورها، عقاید و رسوم و افسانه‌ها را شامل می‌شود که

مردم گاه سنجیده و آگاهانه و گاه از طریق ارتباط متقابل و پیامدهای پیش‌بینی نشده در طی فعالیت‌های روزمره و در شرایط زندگی ویژه خود پدید آورده‌اند که به انواع مختلف از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است.

از ویژگی‌های میراث فرهنگی (یعنی نهادها، رسوم، قراردادها، ارزش‌ها، مهارت‌ها، هنرها و روش‌های معیشت) آن است که گروهی از مردم که خود را در این میراث شریک می‌دانند، نسبت به یکدیگر و سایر افراد جامعه، احساس نزدیکی و یگانگی می‌کنند و با آن پیوند وفاداری عمیقی دارند. باز هم از ویژگی‌های فرهنگ عامیانه آن است که با بافت محکم‌شدن می‌تواند سینه به سینه و از طریق آینه‌ها و عادت‌های رفتاری از نسلی به نسل دیگر منتقل شود.

با گسترش تکنولوژی و کاربرد آن در وسائل ارتباط جمعی، شناخت مردم جهان نسبت به فرهنگ‌های دیگر ملل، گستردگی تر می‌شود. هر لحظه مردم جهان با گیرنده‌های خود که با اینترنت جهانی ارتباط دارد، می‌توانند از آخرین پدیده‌ها و جدیدترین آثار فنی و هنری دیگر ملل آگاه شوند و نسبت به بود و نبود مردم بخش‌های مختلف گیتی احساس مسؤولیت و همدردی کنند.

انسان‌ها در سراسر تاریخ پر فراز و نشیب خود همواره برای تبیین و توضیح هستی خود راه‌های گوناگونی برگزیده‌اند که یکی از این راه‌ها، فولکور یا دانش عامیانه است. که به وسیله آن واکنش ذهنی خود را نسبت به دنیای پیرامون‌شان یعنی جهان طبیعی، اجتماعی و فردی‌شان نشان داده‌اند. این فرهنگ دارای طیف وسیعی است که دامنه آن از خرافه‌پرستی تا تصاویر ظریف و دقیق شاعرانه، گسترش داشته است و نوعی توجیه و تبیین جهان را در برگرفته است که به وسیله مردمانی که از امکانات دانش پژوهی و هنرمندوزی قشر خواص بی‌بهره بوده‌اند، پی‌ریزی شده است و به همین جهت از مسائل مأموراء‌الطبیعی گرفته تا جزیی ترین امور روزمره‌شان در این فرهنگ وجود دارد و از فلسفه، تاریخ، اقتصاد، روان‌شناسی و زیباشناسی و سایر

علوم انسانی به نوعی در فرهنگ عامیانه، بیان شده است. این بیان و توضیح در طول تاریخ با بهره گیری از اندیشه‌های پیشین، آغاز گشته، چیزهایی را ز خود دور کرده و یا به فراموشی سپرده و چزهایی به خود افزوده است؛ اما همیشه درحال حرکت و انعکاس جهان در ذهن او، رابطه اش با آن، با جامعه، با صاحبان قدرت، با خودش در این فرهنگ متابور شده است و در نتیجه از نسلی به نسلی چرخیده و باورها، اعتقادات و دانسته‌ها و تجربه‌ها را منتقل کرده است. در این حرکت البته پای خود را در درون مردم گذاشته و بر جان‌های آنها ردپا گذارد و چون این فرهنگ برآمده از مردم و تأثیرگذار بر آنان می‌باشد، سخت‌جان و قدرتمند است. قدرتی که صاحبان قدرت همیشه سعی کرده‌اند از راه نفوذ در آن، از آن در راه خواسته‌های خود و حفظ قدرت خود بهره گیرند. این کار همیشه از طریق دلالان‌های ارتباطی ای که در ساختار جامعه وجود داشته انجام شده و می‌شود. همان‌طور که امروزه از طریق وسائل ارتباطی که در اختیار دارند و ابعاد گسترده‌ای نیز به خود گرفته است می‌کوشند تا این فرهنگ را در اختیار گیرند و خود به آن شکل و سمت وسو بدنهند و تخیل قوی موجود در آن را زایل گردانند. تخیلی که بیان خواسته‌هایی است که گاه در دوره‌هایی می‌رود که خود را به واقعیت تحمیل کند.

اگر فرهنگ را در بی‌واسطه‌ترین رابطه آن با مبنایش، نوعی ذهنیت نسبت به منافع آفرینندگان آن بدانیم، فرهنگ عامیانه، بیان فرهنگی منافع و هستی مردم است، با توجه به سطح رشد جامعه. منافعی که از وضعیت مادی تا ظریف‌ترین حالت روانی فردی را دربرمی‌گیرد.

فرهنگ عامیانه، همواره آغشته به «بی‌دانشی» مردم و ناخالصی حضور صاحبان قدرت بوده است؛ اما این استفاده از فرهنگ عامیانه، خاص قدرت‌مندان نبوده بلکه کسانی هم که به منافع مردم به خاطر مردم اهمیت داده و می‌دهند از آن بهره جسته‌اند. ادبیات غیررسمی یکی از بهره‌مندان از این فرهنگ بوده است. بسیاری از

شاهکارهای جهانی، بن مایه‌های همین فرهنگ را، زبان آن را، تصاویر ذهنی و سایر عناصر سازنده آن را مورد استفاده قرار داده‌اند و البته مقبول هم افتاده‌اند. بسیاری از نویسندهای که در سطح جهان معروف و مطرح بوده و هستند، در آثارشان این فرهنگ را، هر کدام به نوعی به خدمت گرفته‌اند. دانته، سروانتس، شکسپیر، گوته، تولستوی، گورکی، پوشکین، برشت، اشتاینبرگ و بسیاری از نویسندهای آمریکای لاتین از جمله گارسیا مارکز از این دسته‌اند که مواد خام آثار آنها فرهنگ عامیانه مردم‌شان بوده است. آنها در این آثار به بهره‌گیری و پالایش این فرهنگ پرداخته و سرانجام جایگاه شایسته خود را در بین مردم پیدا کرده‌اند.

امروزه صاحبان قدرت با هنر و ادبیات رسمی با انواع و اقسام رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون، رادیو، سینما، ماهواره و ... می‌کوشند تفکر و زیبایی‌شناسی مردم را آن طور که می‌خواهند شکل دهنند و مواد خام کار خود را نیز از فرهنگ عامیانه تهیه می‌کنند. هم اکنون ماهواره‌ها مرزی برای خود نمی‌شناشند و به مثابه ابزاری در کار کنترل ذوق و سلیقه و تخیل و بینش مردم در هر گوشه‌ای از جهان هستند. ادبیات مردمی کاری سخت در پیش دارد. چراکه این گونه هنر و ادبیات در همه جهان مورد هجوم قرار گرفته و با امکانات اندک باید با غولی مهیب مقابله کند. اما مردم را برای همیشه نمی‌توان فریفت. زیرا هستی اجتماعی آنها که مبنای آفرینش‌های ذهنی شان است وجود خود را تحکیم کرده و آفرینش خود را انجام می‌دهد.

دalan ارتباطی میان مردم و نویسندهای، شعراء و هنرمندان، فرهنگ عامه است. مردمی که در سراسر جهان منافعی مشترک دارند و اساس فرهنگ‌شان نیز یکی است. اگرچه در هر گوشه‌ای شکل خاصی از خود بروز می‌دهد. بدیهی است که اگر برخی آثار نویسندهای، شعراء و هنرمندان جهانی می‌شوند، خالقان این آثار به دالان ارتباطی خود و مردم دست یافته‌اند و از این ارتباط به بهترین نحو استفاده کرده‌اند.